



۲۰۱۹/۰۳/۱۵



میر عبدالرحیم عزیز

طرح انهدام اقتصاد افغانستان توسط ایران و پاکستان



AFGHANISTAN, PAKISTAN AND IRAN



افغانستان دو دشمن عنعنوی و تاریخی دارد: ایران و پاکستان. این دو کشور برای نابودی و انهدام افغانستان و محور آن از نقشه جهان از هیچگونه توطئه و تخریب خودداری نمی ورزند.

طرح های استعماری این دو کشور در قبال افغانستان در ۴۰ سال اخیر بیشتر قوام گرفته است. با استفاده از تجاوزات شوروی و امریکا و جنگ های داخلی در افغانستان و اسقرار نظام های ضد ملی و ضد مردمی، ایران و پاکستان سعی نموده اند که از حالت بد کشور ما بهره برداری نمایند.

ایران قسمت غرب افغانستان را ملک خود می داند و پاکستان هم شرق افغانستان را جزء عمق ستراتیژیک خود می شناسد. افغانستان تنها اما پر از خائن و میهن فروش، در تقلائی دائمی به سر می برد که چگونه بتواند از شر دشمنان داخلی و خارجی نجات یابد و خود را منحصیث یک کشور مستقل در جهان معرفی بدارد.

مردم ما قبل از همه به یک زعامت ملی و مردمی نیازمند اند که کشور را بسوی رستگاری و استقلال و امنیت رهبری نماید. مبارزه علیه دشمنان داخلی و خارجی به آهستگی جان می گیرد که چطور افغانستان از رهبری سالم و مردمی برخوردار شود و افراد شریف و میهن دوست در رأس امور قرار گیرند، در غیر آن افغانستان بسوی نیستی که آرزوی میهن فروشان مسلکی و متجاوزین خارجی است، رهسپار خواهد شد.

تجاوز شوروی و نصب مزدوران روس در اریکه قدرت و بی ثباتی و بی امنیتی در افغانستان، نفوذ ایران و پاکستان را در افغانستان در تمام سطوح بالا برد. بعد از شکست شرم آور سوسیال امپریالیسم شوروی و آمدن گروه های مخرب جهادی شیعه و سنی، ایران و پاکستان نقش ضد بشری خود را در افغانستان به اوج رسانیدند.

ایران از طریق حزب وحدت و شیعه های بی مسلک نفوذ مذهبی خود را در افغانستان توسعه داده است. همچنان یک عده از محصلان افغانی که در مؤسسات تعلیمی ایران درس خوانده اند، بهترین وسیله برای توسعه تخریبی ایران در ساحات فرهنگی شده اند. یکی از اهداف ایران، تخریب اصالت فرهنگی و لسانی افغانستان است. ایران کماکان سعی میوزد که از طریق عمال خود در مطبوعات و معارف افغانستان رخنه نموده و دری زیبای افغانستان را منهدم نماید. سازمان جاسوسی ایران وواک یک تعداد تلویزیون ها و اخبار های داخل کشور را خریداری نموده و با به راه انداختن سایت های انترنیتی در صدد تخریب تاریخ و فرهنگ کشور ما شده است. اصطلاح "افغانستانی" توسط چنگیز پهلوان جاسوس معروف ایران و معلم جاسوسی احمد شاه مسعود رواج یافت تا مردم ما را بی هویت بسازد. ایران همچنان سعی نموده است که در قوم تاجک افغانستان داخل شده تا یک از عده از فروخته شدگان تاجک را بیشتر بی هویت گرداند. باید یادآور شد که بی مسلکان پشتون مانند حکمتیار و حامد کرزی و شرکا هم زمانی در خدمت ایران بوده و شاید تا هنوز معاشخور این کشور باشند. فعالیت سازمان جاسوسی ایران تنها منحصر به داخل افغانستان نیست، بلکه عمال این سازمان در امریکا و اروپا هم در بدام انداختن انسان های ضعیف النفس و فاقد شرف انسانی در فعالیت دایمی اند. ایران پول هنگفتی در دامن زدن تفرقه های قومی در افغانستان مصرف می نماید. دشمنی تاریخی ایران با قوم پشتون افغانستان غیر قابل انکار است که حتا به دوران شاه بر می گردد. از نگاه فاشیست های ایران و نظام عقب گرای آخندی، پشتون های افغانستان مانع عمده پیشرفت و توسعه طلبی سیاسی و فرهنگی ایران در افغانستان اند. ازینرو، ایران منتهای کوشش خود را می کند تا تفرقه های قومی و مذهبی را در افغانستان وسعت بخشد. هویت عمال مذهبی و سیاسی و فرهنگی زیاد پوشیده نیست.

دشمن خارجی دیگر یعنی پاکستان از هیچ گونه تخریب سیاسی و نظامی کشور ما خودداری نکرده است. از زمان تأسیس جمهوریت اول تا اکنون، پاکستان پیوسته کوشیده است که افغانستان را همیشه بی ثبات نگهدارد تا بتواند به آسانی کشور ما را ببلعد. موجودیت گروه های جهادی در آن کشور، زمینه را برای دستگاه اسنخباراتی آی اس آی مساعد ساخت که از افرادی مانند گلبدین حکمتیار پشتون، برهان الدین ربانی تاجک و سایر رهبران جهادی استفاده اعظمی نماید. احمد شاه مسعود و برادرانش قبل از اینکه در خدمت کی جی بی درآیند، آب و دانه آی اس آی را نوش جان کردند. شب جشن سال ۱۹۷۵ که شاهد حوادث ناگوار در پنجشیر، قندوز و لغمان و سایر جا های دیگر بود، خیانت عده ای از خاک فروشان و خاینان به میهن را به اثبات رسانید. درین وقت که ذوالفقار علی بوتو به حیث صدراعظم پاکستان ایفای وظیفه میکرد، آی اس آی برای تخریب افغانستان با رهبران خاین اقلیت های افغانستان در تماس شده بود. ربانی و مسعود در آغاز روابط تنگاتنگ با آی اس آی داشتند و از همین منبع تغذیه میشدند. خلق تحریک طالبان و به راه انداختن فضای وحشت در کشور نوع دیگری از شرارت پاکستان در افغانستان بوده است. در همین زمان بود که تیوری "عمق ستراتیژیک" به میان آمد که به موجب آن پاکستان می خواست که

افغانستان را به عمق ستراتیژیک خود تبدیل نماید که هنوز هم این ذهنیت در زعامت پاکستان موجود است. پاکستان مانند ایران در دامن زدن نفاق قومی در افغانستان فعال است. عمال پاکستان در تمام ساحات در کشور ما رخنه کرده و جنگ قومی را تبلیغ می نمایند. اصرار بر شناخت خط دیورند یک وسیله دیگر فشار پاکستان بر افغانستان است. یک عده از میهن فروشان حرفوی به شناخت خط دیورند که به نفع پاکستان تمام میشود، پافشاری می نمایند. یک مامور سیاسی وزرات خارجه نظام شاهی که انسان همیشه خاین به کشور بود، راز افغانستان را به ارتباط خط دیورند به پاکستانی ها میداد. اکنون هم، دوستان و هم سلکانش شناخت خط دیورند را از جانب افغانستان تبلیغ می نمایند.

اینرا همه میدانند که هیچ خدمت ضد ملی و ضد میهنی مانند سرسپردگی این ناموس فروشان به پاکستان بدون پرداخت پول اجراء نمیشود.



تعدادی از فعالین جامعه مدنی در کابل در یک حرکت اعتراضی، با نمایش چهره آدمخواران در برابر سفارت خانه های پاکستان و ایران، از این کشورها و سایر همسایه ها خواستند که دیگر از گروه های هراس افکن که دست به خونریزی و عملیات انتحاری میزنند، پشتیبانی نکنند. فعالین همچنین از ملل متحد تقاضا نمودند تا بر کشورهای حامی هراس افکنان بیشتر فشار بیاورند.

با این مقدمه، حال بر میگردیم به اصل موضوع که انهدام اقتصاد افغانستان از جانب ایران و پاکستان است. با موجودیت یک نظام مستعمراتی و ضد ملی در کابل، تاریک اندیشان آخندی ایران و دولت فاشیستی پاکستان سعی می نمایند که زیر بنای اقتصادی افغانستان را از بنیاد منهدم کنند تا میهن ما برای همیشه در چنگال خونین این دو کشور متجاوز باقی بماند. افغانستان تا حال بازار خوبی برای اموال نامرغوب ایران و پاکستان بوده است. خصوصاً شهر های غربی و شرقی افغانستان پر از کالا های بی ارزش ایرانی و پاکستانی است. پیشرفت اقتصادی و صنعتی شدن افغانستان مانند چکشی است که بر فرق آخند های متقلب ایران و مقامات فاشیستی پاکستان فرود می آید. با از دست دادن بازار افغانستان، ایران و پاکستان جایی دیگری برای فروش اموال بی ارزش خود ندارند. بنابراین، حد اکثر می کوشند که اقتصاد افغانستان جان نگیرد و صنایع کشور ما رونق نیابد. از داخل کشور شنیدیم که ایران و پاکستان در صدد تخریب بند و انهار افغانستان اند و درین خصوص افرادی خاصی را تربیه نموده و پول گزاف مصرف می نمایند. در جریان جهاد ضد شوروی، پاکستان می خواست که بند برق سروبی را توسط رحیم وردک منفجر سازد، لاکن جهادی های واقعی و شریف مانع اقدام این سگ صفت گردیدند و توطئه پاکستان را خنثی ساختند. ایران از گروه تربیه شده فاطمیون خود در افغانستان تحت رهبری محمد محقق سود میبرد و از آنها در تخریب زیر بنا های اقتصادی افغانستان در نواحی هیرمند و هرات و فراه استفاده می کند.

دو دشمن تاریخی افغانستان در صدد اند که تولیدات صنعتی افغانستان را که به مشکل خلق شده و به بسیار آهستگی تکامل می یابد، در جنین نابود سازند. از جمله، فابریکه های ابتدائی ذوب آهن آماج حملات تخریبی ملای های ایران و پاکستانی های مزدور غرب قرار گرفته است. پرویز خواجه زاده رئیس اتحادیه فابریکه جات ذوب آهن افغانستان می گوید، "برخی حلقات و افراد وابسته به اجانب در داخل و خارج سنگ اندازی نموده و در برابر کار های ما موانع ایجاد می نمایند. اگر دولت این صنعت ملی را حمایت نکند، سرمایه گذاری ۴۵۰ میلیون دالری ذوب آهن که در افغانستان فعالیت دارند و در سطح منطقه بی مثال اند، نابود خواهد شد". درین سکتور بیش از ۱۴ هزار تن مصروف کار بوده و آموزش های لازم را برای رشد خود و تکامل فابریکه ها دیده اند. دولت قبلاً وعده داده بود تا آهن پاره های کهنه به کارخانه های ذوب آهن کشور داده شود، ولی این کار انجام نشده و آهن های کهنه به همسایه های دشمن ما قاچاق میشود. تعجب اینکه، تعرفه گمرکی به آهن آلات که از بیرون به کشور وارد میشود کم است که در نتیجه فعالیت های آنان را متأثر ساخته و جلو پیشرفت صنعت آهن داخلی را گرفته که توانائی رقابت آنها را با دشمنان خارجی جداً صدمه میزند. اکنون به تعداد ۳۸ کارخانه ذوب آهن در سراسر افغانستان فعالیت دارد که روزانه قادر به تولید حدود دو هزار تن انواع آهن بوده و می تواند در صورت پشتیبانی دولت، ۶۰ درصد از احتیاجات داخلی را تامین نماید. قسمت اعظم تولیدات داخلی آهن برای امور ساختمانی که در افغانستان رونق یافته استفاده میشود. اگر جلو فعالیت تخریبی ایران و پاکستان گرفته نشود، سکتور خانه سازی و اعمار مجدد هم فلج خواهد شد. افراد وارد درین خصوص اظهار میدارند که دست های مرموز وابسته به اجانب در حرکت است که صنعت ذوب آهن افغانستان را به نفع دشمنان تاریخی افغانستان یعنی ایران و پاکستان به نابودی بکشانند. دولت مستعمراتی کابل هم میدانند که چنین فعالیت های در جریان است، اما تا حال اقدام جدی نکرده و با اینکه شهامت آن را ندارد که در تقابل با ایران و پاکستان قرار گیرد. دستگاه استخباراتی ایران و پاکستان در عالیترین سطح دولت مستعمراتی کابل افراد گماشته دارند که می توانند فعالیت های ضد میهنی را به نفع ایران و پاکستان به راه اندازند و افغانستان را تابع خواسته های این دو کشور سازند. حمایت مردم با شرف و ملی گرای ما از صنایع داخلی باعث خواهد که توطئه های دشمنان داخلی و خارجی افغانستان ناکام شود و کشور ما در شاهراه ترقی و پیشرفت قدم های متین بردارد. ناگفته نباید گذاشت که شرط هرگونه پیشرفت در قدم اول استقلال کشور و در قدم دوم استقرار یک دولت ملی و مردمی است که بر مبنای اراده آزاد مردم بناء شده باشد.



تذکر:

هرگاه خوانندگان محترم متمایل باشند که نبشته ها و مطالب دیگری از این نویسنده را مطالعه کنند، می توانند با اجرای "کلیک" بر عکس نویسنده در صفحه مقالات، به فهرست "آرشیف" شان رهنمائی شوند!

طرح انهدام اقتصاد افغانستان توسط ایران و پاکستان

[R_aziz_tarhe_enhedaam_eqtessaad_afghanistan.pdf](#)